


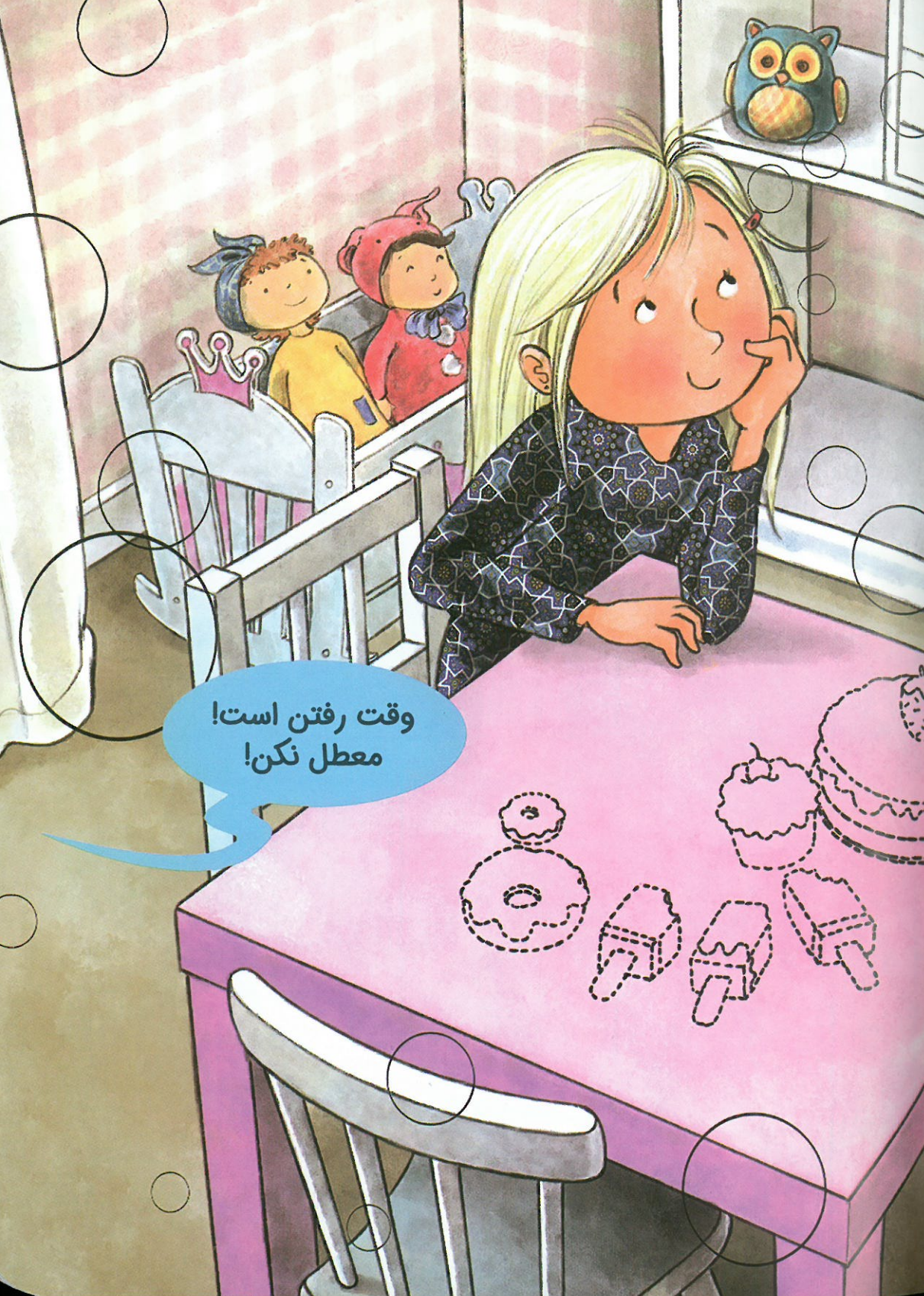
چراغش حواسه پرتبه

مريام سارسيا ساندرز
تصويرگر: تمى ليون
مترجم: جواد كريمى



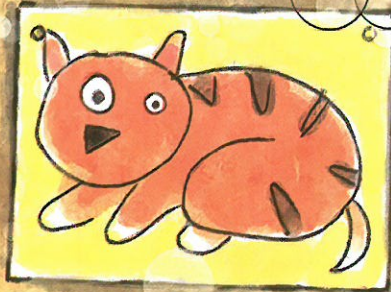


من همیشه در فکر و خیال
و اسب‌های کوچولو و حباب‌ها
و بستنی‌های خیالی را می‌بینم.
ساعت مثل باد جلو می‌رود
و من اصلاً نمی‌فهمم.



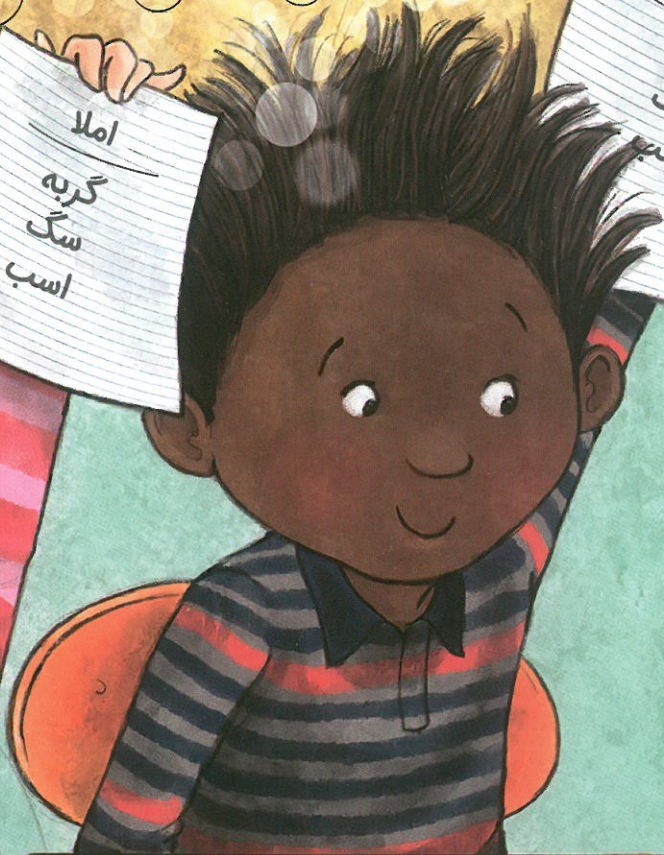
وقت رفتن است!
معطل نکن!

آن بالا توی آسمان، ذهن من گاز می‌دهد و می‌چرخد.



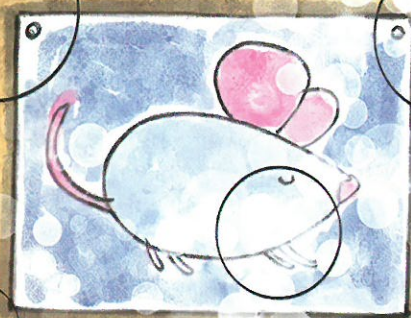
املا
گره
سگ
اسب

املا
گره
سگ
اسب



وقتی معلم به ما تکلیف می‌دهد، من حواسم نیست.
همیشه اشتباهی تکلیف درس دیگر را می‌نویسم.

حواست به درس
هست، پگی؟



املا
گره
سگ
اسب

ریاضی

$$5+2=7$$

